روزنامه شرق

چهارشنبه ۲ دی ۱۳۹۴ • ۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۳۷ • ۲۳ دسامبر ۲۰۱۵

سال سیزدهم • شماره ۲۴۷۷ • ۲۰صفحه • ۱۰۰۰ تومان

رئیس‌جمهوری:

تشدید شکاف‌ها و تفرقه هنر نیست

ایرنا: رئیس‌جمهوری وجود هرگونه شکاف و اختلاف در کشور را مضر و خطرناک توصیف کرد و افزود: «تشدید شکاف‌ها و تفرقه در جامعه هنر نیست و نباید بگذاریم عده‌ای انسجام اجتماعی را خدشه‌دار کنند». حجت‌الاسلام‌والمسلمین حسن روحانی...

صفحه ۷

زنگنه با انتقاد از خصوصی‌سازی صنعت نفت:

حاضریم پالایشگاه آبادان را «مفتی» بدهیم

گروه اقتصاد: گویا بالاخره قرار است نرخ خوراک پتروشیمی‌ها تعیین‌تکلیف شود، اما با اینکه هنوز نرخ رسمی اعلام نشده، ناگفته پیداست که نرخ خوراک حول‌وحوش همان ۱۳ سنت خواهد بود. وزیر نفت با حضور در نشست اتاق بازرگانی تهران...

صفحه ۵

برخی چهره‌های شناخته‌شده اصلاحات برای انتخابات مجلس ثبت‌نام کردند

صف اول اصلاح‌طلبان

صفحه ۶

کارت قرمز دلواپسان به عادل و ظریف

عذرخواهی فردوسی‌پور از وزیر خارجه و بینندگان به دلیل ممانعت صداوسیما از پخش مصاحبه

صفحه ۱۸

عکس: سایت برنامه ۹

مؤید حسینی در گفت‌وگو با «شرق» هشدار داد:

فعال‌شدن صاحبان پول‌های کثیف در انتخابات

صفحه ۱۹

در یک ماه رخ داد

اخلال دوباره در سخنرانی وزیر کشور اصلاحات

صفحه ۷

تیترها

سخنگوی شورای نگهبان:

ورود بانوان به انتخابات خبرگان منع قانونی ندارد

صفحه ۲

سعید فائقی:

پایان دولت یازدهم آغاز سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

صفحه ۱۵

توقف ۵۰ درصدی پروژه‌های شهرداری به دلیل بی‌پولی

صفحه ۱۷

اهالی موسیقی حاضر به صحبت نشدند

سکوت در برابر انتقاد «علیزاده»

صفحه ۱۴

سرمقاله

ریشه حذف «ظریف» از تلویزیون

عبدالله ناصری . مدیر صداوسیما در دهه ۶۰

آفت دوگانگی در رفتار صداوسیما که این‌بار با پخش‌نشدن مصاحبه ضبط‌شده وزیر امور خارجه در برنامه ورزشی ۹۰ ازیک‌سو و در سوی مقابل، دادن تریبون زنده به یکی از نامزدهای اصولگرای مجلس که اخیرا به‌عنوان یکی از هِدهای انتخاباتی اصولگرایان برای ایجاد انسجام و موضع‌گیری سیاسی انتخاب شده است، موضوعی ریشه‌دار و باسابقه است. بااین‌حال نمی‌توان شرایط فعلی این سازمان عریض‌وطویل را در دوران مدیریت محمد سرافراز در این بی‌تصمیمی بی‌تأثیر دانست. دوران مدیریت علی لاریجانی در این سازمان اگرچه با همان گرایش مشخص سیاسی پیش رفت اما شیوه عمل و توانمندی‌های فردی رئیس وقت سبب می‌شد در حوزه‌های غیرسیاسی، نوعی انسجام و تصمیم‌گیری متمرکز مشاهده شود. دوران مدیریت ضرغامی با وجود فاصله زیادی که با دوران لاریجانی داشت اما باز هم ردپای برخی جمع‌بندی‌ها و تصمیمات به اتاق ریاست سازمان می‌رسید. این مسئله در دوران سرافراز، کم‌رنگ‌تر از قبل شده است. رئیس فعلی با وجود تجربه قابل‌توجهی که در سال‌های حضور در این رسانه به دست آورده و حضور در ششمین دهه زندگی، در حوزه تصمیم‌سازی با کاستی‌های محسوسی مواجه است. نوع انتصاب مدیران در شماری از پست‌ها و باکس‌های صداوسیما حاکی از آن است که افراد، توانایی و تخصص کافی برای آن سمت مهم را ندارند. مسئله بعدی، علاقه‌مندی به برون‌داد سیاسی با گرایش جناحی در هر برنامه‌ای اعم از فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است و غلظت پافشاری بر این «هویت سیاسی» روی آنتن صداوسیما، سایه انداخته است. اگر مشکل این حوزه را تا حدی خارج از حیطه مدیریتی رئیس سازمان صداوسیما و مرتبط با مجموعه‌ای از نظرات بیرونی بدانیم اما حداقل در بخش انسجام سازمانی، رئیس فعلی می‌تواند به نابسامانی‌های موجود سروسامان دهد. دکتر روحانی و دولت یازدهم نیز با میراث یک دستگاه اجرائی درهم‌ریخته پس از دولت احمدی‌نژاد مواجه بود اما به سبب تجربه و عملکرد مدیریتی نسبی در شماری از حوزه‌ها نظیر دیپلماسی و اقتصاد، در بازسازی ویرانه‌ها موفقیت‌هایی به دست آورده است. دولت روحانی هم با معوقات هزاران میلیاردی بخش‌هایی نظیر نیرو و راه‌وشهرسازی مواجه بوده اما در حال پرداخت آنها و کاهش بار تعهدات است. صداوسیما نیز اگرچه در هنگام ورود سرافراز با مسائل مشابهی دست‌به‌گریبان بوده اما تحول خاصی در این حوزه‌ها مشاهده نمی‌شود. کوچک‌سازی دستگاه دیوانی عریض‌وطویل، فروش برخی ساختمان‌ها در مناطق شمالی تهران و تأکید بر بهره‌وری بیشتر و کار حرفه‌ای رسانه‌ای می‌تواند تا حدودی ذهن رئیس فعلی صداوسیما را آرام کند تا شاید بتواند برای سرمایه اجتماعی در حال آسیب این رسانه عمومی تدبیری بیندیشد. نگاه سیاسی در این رسانه کار را به جایی رسانده که خلاف اصول علمی و روشن رسانه‌ای عمل کند. در همه‌جای دنیا شبکه‌های تلویزیونی از چهره‌های ملی و جهانی برای گفت‌وگو در مناسبت‌های خاص درباره مسائلی مانند هنر یا ورزش دعوت می‌کنند و حتما شنیدن نگاه فردی مانند دکتر محمدجواد ظریف به فوتبال می‌توانست مخاطبان تلویزیون در شب یلدا را چندبرابر کرده و تداوم چنین برنامه‌هایی، بحران مخاطب این رسانه را تا حدی درمان کند. اما با وجود اینکه نه عادل فردوسی‌پور و نه جواد ظریف، نامزد انتخابات مجلس یا به دنبال استفاده سیاسی نیستند، باید از آنتن این رسانه حذف شوند.

ادامه در صفحه ۱۹

یادداشت

گردشگری ایران در سایه سیاست جهانی

وحید معتمدنژاد
فعال فرهنگی

نهال نوپای گردشگری ایران بار دیگر به خزان زد و شکوفه‌هایش در علوفه‌های سیاست جهانی سرگردان شد. هنوز زمان زیادی از جوانه‌زدن شاخه‌های تنه تنومند گردشگری کشور به دلیل تصمیم‌های نسبتا منطقی دولت یازدهم نگذشته بود که این‌بار مرز گردشگری در آن سوی جغرافیای سیاست، بر دروازه‌های صنعت گردشگری کشور ما در حال مسدودشدن است. صنعتی که در سالیان گذشته در کشور ما نوید «جایگزین اقتصاد فرهنگی در برابر اقتصاد نفتی» را می‌داد و از آن با نام «انقلاب اقتصاد فرهنگی» نیز یاد می‌شود. با این مقدمه، طرحی که در روزهای اخیر در کنگره آمریکا تصویب شد، بنایی است بر محدودیت ورود گردشگران کشورهایی که بدون ویزا به آمریکا سفر می‌کردند. از زمان تصویب این طرح، آن دسته از شهروندان این کشورها که به ایران و چند کشور اسلامی، ازجمله سودان، عراق و سوریه سفر کرده‌اند، باید با دریافت ویزا به آمریکا وارد شوند. طبق فصل ۲۰۳، از متن بودجه سال آینده آمریکا- که بعد از تصویب سنا و امضای اوباما به قانون تبدیل شده- اگر شهروندان ۳۸ کشور در پنج سال گذشته به سوریه، عراق یا کشورهای حامی تروریسم از نظر وزارت خارجه آمریکا سفر کرده باشند، نمی‌توانند مانند گذشته بدون ویزا وارد آمریکا شوند. به علاوه کسانی که تابعیت دوگانه این کشورها را هم دارند، ازجمله ایرانی‌هایی که شهروند کشورهای معاف از ویزا، مانند بریتانیا، استرالیا یا فرانسه هستند، باید با اجرای قانون تازه برای سفر به آمریکا، درخواست ویزا کنند. تصویب و اجرای این طرح، جدا از تأثیر آن در اجرای برجام که موضوع این نوشتار نیست، در ابعاد فرهنگی، اجتماعی و تاریخی کشورهایی که در این طرح به آنها اشاره شده، تأثیرگذار است. هرچند نام ایران در کنار دو کشور عراق و سوریه که پیشینه گسترده تاریخی- خارج از تحرکات سیاسی و جنگ‌افروزانه - با این کشورها در جهت وسعت جغرافیای پهناور تاریخ کشور ما داشته، اندکی درخور تأمل و تحمل است، اما نام کشوری چون سودان که بنابر تاریخ استعماری و برده‌داری و همچنین سخنان چند ماه گذشته وزیر امور خارجه آن- علی کرتی- که بر متحدنبودن سودان و ایران در هیچ زمان مشخصی تأکید ورزیده، بسیار دور از ذهن و انصاف است. از سوی دیگر، استفاده نادرست از واژه «کشورهای حامی تروریسم» برای کشوری است که واژه صلح را برای اولین‌بار در منشور حقوق بشر بر الواح تاریخ خود نگاشته و از این باب، خاستگاه صلح در جهان شناخته شده است؛ کشوری که به اجبار و برخلاف خواسته ملی و حکومتی و بنا بر موقعیت استراتژیک خود در منطقه حساس خاورمیانه، به میدان چالش‌ها و کشمکش‌های سیاسی کشیده شده است.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

ترس از تاریکی فضای مجازی

نوید رجایی‌پور
کارشناس فضای مجازی

ترس از تاریکی، مختص دوران کودکی نیست و تا سنین بالاتر و حتی تا کهنسالی نیز ممکن است ادامه داشته باشد. این روزها پای نوعی ترس از تاریکی به فضای مجازی هم کشیده شده است. دلیل ترس از این تاریکی هم مشخص است؛ امکان تخلف. فضای مجازی به دلیل اینکه افراد در آن می‌توانند بدون احراز هویت شخصی خود و به صورت گمنام، وارد آن شوند، بیشتر مستعد تاریکی است؛ هرچند این نکته کاملا بدیهی است که صرفا افرادی که قانون را در هر سطحی زیرپا گذاشته و هنجارهای جامعه را می‌شکنند، به دنبال تاریکی هستند. برای حل این مشکل، ساده‌ترین راه، نصب تابلوی ورود ممنوع جلوی در فضای مجازی است. حتی می‌توان با شیوه‌های مختلف مانع ورود به این فضا شد؛ موضوعی که ناخودآگاه به تاریک‌ترشدن این فضا کمک می‌کند و باعث می‌شود افراد و گروه‌هایی که از تاریکی نهایت استفاده را برای دورزدن هنجار می‌برند، فعال‌تر شده و به هر نوع سوءاستفاده‌ای دست بزنند. روشن است همه فضاها بخش‌های تاریک دارند. مگر فضای غیرمجازی تخلف ندارد؟ فحشا، فقر، اعتیاد، قاچاق، خریدوفروش انسان، کلاهبرداری، تروریسم و افراطی‌گری و هزار تاریکی دیگر هر روز مقابل چشمان ماست. خوب است قدری به روشنی‌های فضای مجازی نگاه کنیم؛ دردسترس‌قرارگرفتن مخزن علمی جهان برای نشر دانش، تجمیع و توزیع بالای ثروت که پیش از این، در صنایع دیگر متمرکز بود، فضای عادلانه در جهان که همه را در یک سطح قرار می‌دهد و در آن، عامل برتری به تلاش و تخصص افراد برمی‌گردد، نه رانت‌های بادآورده. این امکان که فضای مجازی توانسته است دل‌ها را به یکدیگر نزدیک کند و بستری عالی برای رسیدن به اهداف توسعه فرهنگ‌ها در جهان باشد یا دورافتاده‌ترین نقاط ایران بتوانند از خدمات برخط دولتی و خصوصی در راستای تسهیل امور جاری زندگی استفاده کنند، در همین فضا ایجاد شده است. بهتر است به جای ایجاد ستاد مبارزه با فضای مجازی، ستاد مدیریت و راهبری فضای مجازی تأسیس کنیم. می‌توان با تغییر شیوه‌های مبارزه سنتی که بعد از ایجاد خلاف و بحران به مبارزه می‌پردازد، شیوه مدیریت فضای مجازی را در پیش بگیریم. هر یک از ما که به روشن‌بودن این فضا امیدواریم، می‌توانیم برای این مهم تلاش کنیم. نهادها، سازمان‌های دولتی و خصوصی، راهی جز تلاش برای شفافیت فضای مجازی و ایجاد مسیرهای مطمئن قانونی برای استفاده از تکنولوژی‌ها و نوآوری‌های کنونی و آینده ندارند. از هر زمان که فعالان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در همه سطوح احساس کردند از فضای مجازی می‌توان در مسیر توسعه کشور استفاده کرد، باید تک‌به‌تک راه‌های ایجاد امنیت و اعتبار این فضا را مانند فضای غیرمجازی ایجاد کنند که مزیت آن سرعت ایجاد این راه‌هاست.

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

بهبود وضعیت فقرا در یک ستاد عالی؟!

ژاله شادی طلب . جامعه‌شناس

براساس گزارش مؤسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی در سال ۱۳۹۳، خط فقر سرانه در سال ۱۳۹۲ در شهرها ۴۴۶ هزار تومان و در روستاها ۲۶۹ هزار تومان برآورد شده است. در نتیجه نسبت جمعیت فقیر از کل جمعیت در سال ۱۳۹۲ برای مناطق شهری، ۱۵ درصد و مناطق روستایی، ۱۳ درصد تخمین زده شده است. اگر رقم خط فقر سرانه را با دستمزد قانونی ۶۰۰هزارتومانی کارگران در سال ۹۲ که در واقع برای تامین معاش یک خانوار است، مقایسه کنیم و پرداختی سازمان‌های مسئول به فقرا را که کمتر از سرانه یکصدهزار تومان است، در نظر بگیریم، به عمق فقر و گستردگی آن پی می‌بریم. درواقع با در نظر گرفتن رقم خط فقر سرانه اکثر کارگران کشور، بخش بزرگی از کارمندان، افراد شاغل در بخش خدمات، معلمان و... در یک دهه اخیر به گروه فقرا پیوسته و فقیرتر شده‌اند. اگر نرخ بی‌کاری به‌ویژه بی‌کاران جوان را هم به این جمع اضافه کنیم، متوجه می‌شویم که ما در سال‌های برنامه ششم توسعه با یک تهدید جدی روبه‌رو خواهیم شد. واگذاری چنین امر خطیری به یک «ستاد عالی توانمندسازی فقرا» کمی غریب به نظر می‌رسد. ای کاش گزارشی از کارآمدی همه ستادهای عالی در حوزه اجتماعی را داشتیم تا تحلیل کنیم آیا اضافه‌کردن یک ستاد عالی به آنها، کمکی به حل این تهدید اجتماعی خواهد کرد؟

ادامه در صفحه ۴

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۸۱۹۰۴۶۸
۸۸۱۹۳۹۷۹